پژوهشگاه
فضای مجازی

دفتر خاکستری ۲۶

پاسخ سریع
شهریورماه ۱۴۰۴

جمع‌آوری نظرات کارشناسان در باب سند نظام جامع اقتصاد دیجیتال

پاسخ به سوال مطرح شده از سوی معاونت امور اقتصادی و تنظیم مقررات


بسم الله الرحمن

جمع‌آوری نظرات کارشناسان در باب

سند نظام جامع اقتصاد دیجیتال

پاسخ به سوالات مطرح شده از کمیسیون تنظیم مقررات

دفتر خاکستری (Quick Answer) **شمارهٔ بیست و ششم**

گردآورنده: محمد حمزه‌ئی

تمام حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به پژوهشگاه فضای مجازی است و استفاده از آن تنها با ذکر منبع مجاز است.
همچنین محتوای منتشرشده در این گزارش بیانگر دیدگاه رسمی مرکز ملی فضای مجازی نیست.

نشانی: تهران، سعادت آباد، خیابان علامه شمالی، کوچه هجدهم غربی، پلاک ۱۷
تلفن: ۲۲۰۷۳۰۳۱-۰۲۱
کد پستی: ۱۹۹۷۹۸۷۶۲۹

فهرست

دکتر حسین خسروپور - مدرس اقتصاد دیجیتال و مدیرعامل صندوق توسعه فناوری ایران..... ۲

نیلوفر شرفی - دانش‌آموخته رشته سیاستگذاری از اندیشکده کسب‌وکار شریف ۴

محمد احمدی - مشاور اقتصاد دیجیتال و مدیر عامل شرکت نیکان شبکه فارس ۷

علیرضا کیانپور - عضو هیئت علمی دانشگاه ۸

مهدی هاشمی - گروه فناوری سیمرغ ۹

علی میری - مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ۱۰

ابوالقاسم رجبی - مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ۱۰

علی محمدپور - فعال در انجمن ناشران دیجیتال ۱۱

دکتر حسین خسروپور - مدرس اقتصاد دیجیتال و مدیرعامل صندوق توسعه فناوری ایران:

به نظر می‌رسد عبارت «فراتر» در ماده دوم واژه مناسبی نباشد. بهتر است به جای آن از عبارتی دقیق‌تر استفاده شود یا مقدار مشخصی برای سهم اقتصاد دیجیتال تعیین گردد تا هدف شفاف و قابل اندازه‌گیری باشد. همچنین باید توجه شود که برای اینکه هدف‌گذاری در سند قابل اندازه‌گیری و پیگیری باشد، لازم است عدد مورد نظر با استفاده از شاخص‌ها و روش‌های مشخص سنجش تعیین شود.

در ماده ۶ با عنوان «اقدامات کلان و تقسیم کار ملی» آمده است: «اقدامات کلان و تقسیم کار ملی». به نظر می‌رسد این بخش کارکردی شبیه یک سند مادر دارد و بنابراین تکرار موضوع «تقسیم کار» در همین ماده محل تأمل است و ضرورتی برای بازگویی مجدد آن دیده نمی‌شود.

در ستون راهبردهای کلان، نخستین عبارت چنین است: «هوشمندسازی زنجیره تأمین صنایع اولویت‌دار کشور مانند نفت، گاز، پتروشیمی، کشاورزی و حمل‌ونقل». در اینجا پرسش اصلی آن است که چرا صرفاً بر «زنجیره تأمین» تأکید شده و نه بر «زنجیره ارزش» که گستره‌ای وسیع‌تر را در بر می‌گیرد. همچنین به نظر می‌رسد ضرورت همکاری سایر دستگاه‌ها صراحت نیافته است. عبارت دوم از همین ستون می‌گوید: «استقرار تنظیم‌گر واحد مقتدر در حوزه اقتصاد دیجیتال و الزام سایر

نهادها به هماهنگی کامل با آن در تدوین مقررات، نظارت، صدور مجوز و اجرا». مفهوم «تنظیم‌گر واحد» در اینجا محل پرسش است و نیاز به توضیح دارد که چنین تمرکزی چگونه و تا چه حد در عمل امکان‌پذیر است.

در ادامه، راهبرد «منع برخوردهای سلیقه‌ای و فراقانونی با کسب‌وکارهای اقتصاد دیجیتال» با اقدام «تدوین و تصویب سند سکوها و به‌روزرسانی اسناد و مقررات مربوطه و نظارت مؤثر بر اجرای آنها» همراه شده است. با این حال، سطح راهبرد بر «کسب‌وکارها» متمرکز است در حالی که اقدام اجرایی بر «پلتفرم‌ها» تأکید دارد و این ناهمخوانی نیازمند شفاف‌سازی است.

در بخش اقدامات اجرایی، عبارت «راه‌اندازی مناطق آزاد دیجیتال با مدل اقتصادی مبتنی بر رمزدارایی‌ها و قراردادهای هوشمند» مطرح شده است. محدودکردن این اقدام به فناوری رمزدارایی‌ها مناسب به نظر نمی‌رسد و بهتر است به جای آن بر «زیرساخت‌های پردازشی» یا ایجاد «Open Lab برای اینترنت اشیا» تأکید شود تا امکان توسعه فناوری‌های متنوع فراهم باشد.

همچنین در همین ستون اقداماتی چون «ایجاد سکوهای واسط به منظور استفاده از تجربیات» دیده می‌شود که تحقق آن در شرایط فعلی چندان واقع‌بینانه نیست. در ادامه آمده است: «تدوین و اجرای برنامه ویژه جذب سرمایه‌ها و متخصصان ایرانی مقیم خارج در اقتصاد دیجیتال ایران». در این خصوص اولویت باید حفظ سرمایه‌ها و متخصصان موجود باشد و سپس به جذب نیروهای خارج از کشور پرداخته شود.

در ردیف بعد، «توسعه پلتفرم هوش مصنوعی برای اتصال شرکت‌ها و آزادکاران ایرانی به پروژه‌های بین‌المللی» پیشنهاد شده است. ارتباط مستقیم «هوش مصنوعی» با فعالیت آزادکاران چندان روشن نیست، زیرا آزادکاران بسته به پروژه می‌توانند از فناوری‌های متنوع استفاده کنند. همچنین عبارت «برگزاری مستمر و اثربخش کمیته تسهیل اقتصاد دیجیتال» بیش از حد کلی و کیفی است و شاخص‌های سنجش‌پذیر ندارد. عبارت «تمهید دریافت مستقیم و کامل و امن مبالغ قراردادهای داخلی و خارجی» نیز از منظر تقسیم وظایف پرسش‌برانگیز است؛ چراکه این امر اساساً در صلاحیت

بانک مرکزی قرار دارد و پیوند آن با معاونت علمی یا وزارتخانه‌های دیگر مشخص نیست.
در پایان، ماده ۷ با عنوان «احکام موجود در دیگر اسناد و قوانین درباره اقتصاد دیجیتال و نحوه نظارت بر اجرای آنها» مطرح می‌شود. این بخش با سایر اسناد هم‌پوشانی دارد و لازم است روشن شود که آیا صرفاً ارجاع به اسناد موجود است یا تکلیف اجرایی تازه‌ای مقرر می‌کند.

نیلوفر شرفی - دانش‌آموخته رشته سیاستگذاری از اندیشکده کسب‌وکار شریف:

یک اشکال عمده در این سند وجود دارد که باید منتظر باشیم در تک تک سندهای مشتقه از آن، از جمله سند حاضر، نتیجه آن را مشاهده کنیم. مشکل این است اسناد تکلیف شده و حدود تعریف عنوان هر یک از آن ها مشخص نشده است. قاعدتا باید به پیوست سند راهبردی، چارچوب‌ها و مثال‌هایی از مصادیق هر یک از این تعاریف مشخص می‌شد؛ که نشده است. لذا به صورت ضمنی پیشنهاد می شود در صورت امکان از شورای عالی فضای مجازی یا مرکز جهت تعریف عنوان هر یک از این اسناد و تمایز و حدود آن‌ها درخواست شود. مثلا با ذی‌نفعان چند جلسه در خصوص خط تمایز تعاریف برگزار شود (یا جلسه ای در شورای معین برگزار شود) و پیوست سند راهبردی شود.
در تعریف اقتصاد دیجیتال در ماده۱ سند، به جز فعالیت‌های اقتصادی که ذکر شده مانند تأمین، تولید، توزیع، مصرف و خدمات، قاعدتاً موارد دیگری هم باید اینجا قرار بگیرد. مثلاً امور بانکی، مالی، مالیاتی، سیاستگذاری اقتصادی و...
در واقع در یک نگاه ساختاری، این سند باید در میان دستگاه‌های اجرایی دو محور اصلی داشته باشد: وزارت اقتصاد (با تمام مسئولیت هایش و نهادها و سازمان‌های وابسته) و وزارت صمت. با تعریف فعلی انگار فقط وزارت صمت در نظر گرفته شده است. همچنین دستگاه های دیگر اجرایی در ارائه کلیه خدماتی که در GDP اثرگذارند باید تحت تاثیر این تعریف و سند حاضر قرار بگیرند. مثلاً فروش نرم افزار، اشتراک پلتفرم های مجازی، محصولات کشاورزی، تجهیزات پزشکی و... در فضای مجازی نیز عملاً تابع قوانین این سند باید باشد.
در بخش چشم‌انداز رشد اقتصاد دیجیتال، اگر این درصد بخواهد بیاید باید بعد از تعریف دقیق

شاخص صحیح محاسبه و ذکر شود. به نظر می‌رسد این موضوع خیلی می‌تواند اختلافی باشد و جنبه فلسفی دارد. مثلا در صورت فروش آنلاین یک محصول کشاورزی، چند درصد از این فروش را می‌توان سهم اقتصاد دیجیتال دانست و چند درصدش را سهم اقتصاد غیردیجیتال؟

درست است که براساس پیش‌بینی Forrester و IDCA این درصد حدوداً به عنوان میانگین سهم اقتصاد دیجیتال از اقتصاد جهانی شناسایی شده، ولی لزوما این برای ایران کارآمد نیست. اولا باید وضعیت فعلی را ارزیابی کنیم و بعد گام ها را ترسیم کنیم و ببینیم چه درصدی معقول است. الان وزارت ارتباطات ارزیابی هایی انجام می دهد ولی طبیعتا با طراحی نظام جدید در سند حاضر، چارچوب ارزیابی جدیدی مورد نیاز است.

هرچند با توجه به هدف گذاری سند راهبردی بالادستی که قرار است اولین در منطقه باشیم، این درصد نامعقول به نظر نمی‌رسد. در واقع اگر مشکلی به این درصد وارد است، به طریق اولی به سند راهبردی بالادستی آن وارد است وگرنه حدود ۱۵ درصد با اهداف سند بالادستی همراستاست. همچنین باید توجه داشت که در برنامه هفتم هم حدود ۱۰ درصد برنامه ریزی شده است برای افق ۱۴۰۷.

ناظر به بند الف ماده ۳، برای من روشن نیست که تکرار این موارد در سند حاضر با وجود جامع تر و دقیق تر بودن آن در سند بالادستی ضرورت دارد یا خیر! در خصوص بند ب هم همینطور. می‌شود ذکر شود که کلیه موارد در چارچوب ارزش‌ها و اصول اسناد بالادستی خصوصا سند راهبردی ... تدوین شده‌اند.

درمورد جزء ۵ ماده ۵، به نظر می‌رسد امکان قانون‌گذاری ملی در راستای این راهبرد چندان روشن نباشد. موانع اصلی توسعه صادرات و گسترش روابط بین‌المللی بیشتر ناشی از دو عامل است: نخست، کیفیت پایین برخی محصولات و خدمات، و دوم، محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها. از این رو، بازاریابی یا انتقال تجربه از سوی ایرانیان مقیم خارج به‌تنهایی نمی‌تواند راهگشا باشد تا به‌عنوان راهبرد اصلی در نظر گرفته شود. در عمل، هر فعال اقتصادی که موانع داخلی کمتری پیشِ رو داشته

باشد، خود به‌طور طبیعی به دنبال بهره‌گیری از تجربه‌ها و ظرفیت‌های موجود خواهد رفت.
در ردیف دوم راهبردهای کلان ماده ۶ (استقرار تنظیم‌گر واحد مقتدر در حوزه اقتصاد دیجیتال)، به نظر می‌رسد اصل این موضوع محل اشکال باشد و ریشه آن به بحث تعریف اقتصاد دیجیتال و شیوه اندازه‌گیری آن بازمی‌گردد. به‌عنوان مثال، آیا پلتفرم‌های فروش تجهیزات کشاورزی باید تحت نظارت تنظیم‌گر اقتصاد دیجیتال باشند یا وزارت کشاورزی؟ شاید در سطح کلیات زیرساختی بتوان نقش یک تنظیم‌گر مرکزی را پذیرفت، اما در ساختار موجود دولت، بدیهی است که وزارت کشاورزی باید تصمیم‌گیر و تنظیم‌گر حوزه اقتصاد کشاورزی باشد.
همچنین در ردیف دوم اقدامات اجرایی همین ماده (طراحی و پیاده‌سازی مدل تنظیم‌گری پویا بر پایه داده‌های کلان و الگوریتم‌های تحلیل روند فناوری — رگ‌تک)، باید توجه داشت که این موضوع با اسناد بالادستی، از جمله سند حکمرانی داده، همپوشانی دارد. بنابراین تصریح «رگ‌تک» در این سند چندان ضروری به نظر نمی‌رسد؛ چراکه در صورت تحقق حکمرانی داده، تنظیم‌گران نیز ناگزیر به این سمت حرکت خواهند کرد. به همین دلیل، انتظار می‌رود در این بخش اقداماتی فوری و متناسب با چارچوب همین سند ذکر شود.
در بند پایانی اقدامات اجرایی (ایجاد تشکل کشوری آزادکاران)، برخی موارد اساساً در حوزه صلاحیت و تصرف حاکمیت قرار نمی‌گیرند و بهتر است چنین نیز نباشد. برای نمونه، تشکیل سندیکای فریلنسرها یا هوشمندسازی زنجیره تأمین از جمله موضوعاتی است که ذاتاً در قلمرو بخش خصوصی و جامعه قرار دارد و در صورت فراهم بودن بستر، به‌طور طبیعی محقق خواهد شد؛ بی‌نیاز از تصویب، برنامه‌ریزی یا تخصیص بودجه. از این منظر، چنین مواردی بهتر است ذیل سازوکاری برای شناسایی و رفع موانع توسعه اقتصاد دیجیتال گنجانده شوند، نه به‌عنوان اقدام اجرایی مستقل. در غیر این صورت، خطر ایجاد ابهام نسبت به موارد تصریح‌نشده و انباشت قوانین ناکارآمد وجود دارد.
در خصوص ماده ۷ نیز، منطق تدوین سند چندان روشن نیست. با توجه به تعریفی که از اقتصاد دیجیتال (تأمین، تولید، توزیع و مصرف در بستر دیجیتال) ارائه شده، انتظار می‌رفت گام‌های این

فرآیندها به تفکیک بیان شود. سپس مشخص گردد هر یک در کدام‌یک از اسناد بالادستی قبلاً آمده و از تکرار جلوگیری شود، و در عین حال مواردی که پیش‌تر مغفول مانده‌اند به صراحت ذکر شوند. برای نمونه، در ردیف ۱ ماده ۶ به هوشمندسازی زنجیره تأمین اشاره شده، اما مشخص نیست این موضوع در اسناد پیشین مطرح بوده یا از خلأهای سند حاضر است.

محمد احمدی - مشاور اقتصاد دیجیتال و مدیر عامل شرکت نیکان شبکه فارس:

در بخش مقدمه سند، بند اول، مناسب است که منبع این آمار و همچنین متوسط سهم اقتصاد دیجیتال در تولید ناخالص داخلی در جهان که حدودا ۱۵ درصد است، بیان شود. این باعث می شود حس دقیق‌تری از زیاد یا کم بودن این درصد به مخاطب منتقل شود.

در بند دوم همین بخش، مناسب است این گزاره‌های مهم (نظیر نیروی انسانی تحصیل‌کرده، بازار بزرگ داخلی و زیرساخت‌های قابل‌توسعه،) توسط شاخص‌هایی مانند HDI پشتیبانی شود.

در ماده دوم، پیشنهاد میکنم این درصد حذف نشود و برای تدقیق روش سنجش و محاسبه آن با دکتر علی ملکی (نماینده ایران در بانک جهانی) مشورت شود.

ناظر به جزء اول ماده ۴ (سناریوی دوم: دستیابی به سهم ۱۵ درصدی اقتصاد دیجیتال از تولید ناخالص ملی تا سال ۱۴۱۰)، پیشنهاد می‌شود عبارت «سهم ۱۵ درصدی» حذف شود؛ زیرا سهم فعلی به‌طور دقیق قابل سنجش نیست. برای قابل‌اندازه‌گیری بودن هدف، لازم است شاخص مناسبی برای ارزیابی تعیین گردد. با این حال، استفاده مجدد از همان شاخصی که در چشم‌انداز ذکر شده، مناسب به نظر نمی‌رسد.

همچنین ناظر به جزء دوم همین ماده، این بند بیش از حد کیفی است و در حال حاضر پیشنهادی مشخص برای کمی‌سازی آن ارائه ندارم. اما درمورد جزء سوم پیشنهاد می‌کنم با این جمله جایگزین شود: «شناسایی و کم اثر کردن موانع کلیدی صادرات محصولات و خدمات اقتصاد دیجیتال به بازارهای بین‌المللی». درنهایت جزء چهارم به نظر می‌رسد بلندپروازانه باشد.

ناظر به جزء۱ ماده ۵؛ محتوای این بند بیشتر جنبه هدف‌گذاری دارد تا راهبردی. پیشنهاد می‌شود

به‌جای آن از عبارت زیر استفاده شود: «استفاده از ظرفیت‌های نهادهای بین‌المللی مانند بریکس و شانگهای برای شناسایی بازارهای جهانی و حمایت از رشد سرمایه‌گذاری و صادرات شرکت‌های فعال در حوزه اقتصاد دیجیتال کشور.»

همچنین ناظر به حزء۲ همین ماده: این بند بیش از حد کیفی بیان شده است. پیشنهاد می‌شود با عبارت زیر جایگزین گردد: «شناسایی و توسعه راهکارهای نوین تبادلات مالی بین‌المللی به‌عنوان بستری برای تسهیل صادرات در حوزه اقتصاد دیجیتال کشور». این راهبرد کلان در راستای تحقق هدف ۴-۳ است و دستگاه مسئول اجرای آن وزارت صنعت، معدن و تجارت خواهد بود، با همکاری بانک مرکزی.

نهایتاً ناظر به عنوان عبارت «اهداف کلان» در ستون اول ماده ۶ مناسب است در این ستون از جدول عین عبارات استفاده شده در ماده ۴ آورده شود و همچنین مناسب است در ستون دوم از جدول (راهبردهای کلان) عین عبارات استفاده شده در ماده ۵ آورده شود.

علیرضا کیانپور - عضو هیئت علمی دانشگاه

از دعوت شما برای مشارکت در بازنگری پیش‌نویس «سند نظام جامع اقتصاد دیجیتال» سپاسگزارم. به عنوان عضو هیئت علمی و پژوهشگر حوزه اقتصاد دیجیتال، پس از بررسی کلیات سند و مرور اطلاعات و اخبار منتشرشده، مجموعه‌ای از نکات اصلاحی و تکمیلی را تقدیم می‌کنم. این ملاحظات با تکیه بر تجربه‌های بین‌المللی و نیازهای بومی کشور تنظیم شده و هدف اصلی آن ارتقای کارایی سند و هم‌سویی بیشتر آن با تحولات فناوری است. تلاش من بر این بوده که پیشنهادها تغییرات اساسی در متن ایجاد نکند و بیشتر در قالب اصلاح و تکمیل مطرح شود.

در بخش چشم‌انداز و اهداف کلان، پیشنهاد می‌شود در تعریف چشم‌انداز بر نقش فناوری‌های نوظهور از جمله هوش مصنوعی و بلاکچین تأکید بیشتری صورت گیرد. برای نمونه، می‌توان عبارتی نظیر «ایجاد زیست‌بومی پویا برای اقتصاد دیجیتال با بهره‌گیری از AI و بلاکچین در حل مسائل کلان کشور» به متن افزود. دلیل این پیشنهاد آن است که با توجه به رشد سریع این فناوری‌ها، نقش

آنها در ارتقای بهره‌وری و تحول اقتصادی غیرقابل چشم‌پوشی است.

در بخش زیرساخت‌ها و توسعه فناوری، بهتر است به توسعه شبکه‌های ۵G و فیبر نوری، به‌ویژه در مناطق کمتر برخوردار و روستایی اشاره شود. عبارتی مانند «اولویت‌دهی به گسترش پوشش ۵G در مناطق کمتر توسعه‌یافته برای کاهش شکاف دیجیتال» می‌تواند تکمیل‌کننده متن باشد. این اقدام همچنین با هدف سهم ۱۰ درصدی اقتصاد دیجیتال از GDP ـ که در برنامه هفتم توسعه ذکر شده ـ هم‌راستا است.

در بخش رگولاتوری و حکمرانی داده، پیشنهاد می‌شود سازوکاری مشخص برای حفاظت از داده‌های شخصی بر اساس استانداردهای معتبر بین‌المللی مانند GDPR در نظر گرفته شود. ایجاد نهادی مستقل برای نظارت بر داده‌ها می‌تواند بدون ایجاد تغییرات ساختاری گسترده، امنیت سایبری را تقویت و اعتماد عمومی را افزایش دهد.

در بخش حمایت از کسب‌وکارها و استارت‌آپ‌ها، افزودن بندی با موضوع تسهیل دسترسی استارت‌آپ‌ها به سرمایه‌گذاری خارجی از طریق صندوق‌های تخصصی، با رعایت الزامات امنیت ملی، ضروری به نظر می‌رسد. چنین اقدامی می‌تواند رشد زیست‌بوم کارآفرینی دیجیتال را تسریع کرده و با سیاست‌های کلان فضای مجازی کشور نیز هم‌خوان باشد.

در بخش سنجش و نظارت نیز پیشنهاد می‌شود شاخص‌هایی نوین، مانند میزان پذیرش فناوری در بنگاه‌های کوچک و متوسط، به نظام پایش افزوده شود. این امر ارزیابی وضعیت اقتصاد دیجیتال را دقیق‌تر کرده و امکان به‌روزرسانی منظم سند را فراهم می‌سازد.

در پایان یادآور می‌شوم که این پیشنهادها بر اساس مطالعه اخبار و اسناد مرتبط، از جمله گزارش‌های مرکز ملی فضای مجازی و وزارت ارتباطات، ارائه شده است. مایلم در صورت نیاز، در نشست‌های بعدی جزئیات بیشتری را توضیح دهم.

مهدی هاشمی - گروه فناوری سیمرغ

مطالب این سند خیلی هم جالب بود و جدول انتهای آن هم که وظایف دستگاه ها را نوشته و

مشخص است که روی آن کار شده است. باید توجه شود که بخش مهمی از اقتصاد دیجیتال مربوط به پلت فرمها هست که در خصوص پیچیدگی‌های مختلف این بخش مطلبی عنوان نشده بود. این موارد هم میشود اضافه شود ولی حرف دقیق زدن نیاز به کار سنگین تحقیقاتی دارد. پیشنهاد من برای این سند این هست که در آن ایجاد یک سازمان در خصوص راهبری اقتصاد دیجیتال پیشنهاد شود و در آنجا با امکانات بهتر بشود این اسناد را ایجاد و برای اجرا هم قدرت داشته باشد

علی میری - مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

در ماده ۲ و ۴ این سند، چشم‌انداز رشد اقتصاد دیجتال ۱۵٪ در نظر گرفته شده در حالیکه در سند بالادستی کشور (برنامه هفتم پیشرفت) این رقم، ۱۰٪ عنوان شده است.

در جزء آخر بند ب ماده ۳ (مقررات شفاف، با ضمانت اجرایی بالا و تحت نظارت یک تنظیمگر مقتدر و هوشمند) باید در نظر داشت که با توجه به قوانین موجود و حضور تنظیم‌گران بخشی در حوزه‌های مختلف، به نظر می‌رسد امکان استقرار یک تنظیم‌گر واحد فراهم نباشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود به‌جای تأکید بر یک تنظیم‌گر متمرکز، فرایند و چارچوب تنظیم‌گری به‌صورت جامع طراحی شود تا تمامی تنظیم‌گران بخشی ملزم به تبعیت از آن قاعده‌مند شوند.

پیشنهاد می‌شود در ماده ۷ (احکام موجود در دیگر اسناد و قوانین درباره اقتصاددیجیتال و نحوه نظارت بر اجرای آنها) دستگاه‌های متولی طبق توضیح زیر تغییر کند:

ردیف ۱۶: بانک مرکزی و بیمه مرکزی

ردیف ۳۴: سازمان بورس و اوراق بهادار و «فرابورس

ردیف ۳۶: بانک مرکزی، بیمه مرکزی و سازمان بورس

ردیف ۴۰: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت و درمان

ابوالقاسم رجبی - مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

در سند راهبردی جمهوری اسلامی ایران در فضای مجازی، هدف‌گذاری شده که «هسته اقتصاد دیجیتال» سهم ۱۰ درصدی در اقتصاد کشور داشته باشد. بر اساس تعاریف موجود، میان «اقتصاد

دیجیتال» و «هسته آن» (بخش فاوا) تفاوت وجود دارد. با این حال، به دلیل فقدان تعاریف دقیق و مدل مفهومی روشن در اسناد بالادستی، این تمایز به‌طور قطعی قابل استناد نیست. طبق همین سند، طراحی نظام اقتصاد دیجیتال بر عهده وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات است و دستگاه‌های عضو کارگروه اقتصاد دیجیتال باید با این وزارتخانه همکاری کنند. در عین حال، هسته اقتصاد دیجیتال وابستگی جدی به اقدامات وزارت صنعت، معدن و تجارت دارد که آن وزارتخانه نیز عضو کارگروه است.

علی محمدپور - فعال در انجمن ناشران دیجیتال

چرا اقدامات این سند تا این اندازه کلی بیان شده‌اند؟ تکلیف ماده ۷ در این میان چیست؟ آیا این سند قرار است متولی اجرای موارد ماده ۷ نیز باشد؟ شایان ذکر است که موارد ماده ۷ حتی کلی‌تر از اقدام‌های پیشنهادی در همین سند هستند.

QUICK
ANSWER

دفترهای خاکستری

این دفترها برای پاسخ علمی سریع، مختصر و دقیق به مسئله‌ها و نیازهایی تهیه و تَولید می شود که در حین فعالیت مرکز ملی فضای مجازی و سایر دستگاه ها پیش آمده و به بررسی دقیق و در عین حال سریع نیاز دارند.



پژوهشگاه
فضای مجازی